

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

par Réseau Voltaire

برگردان از: حمید محوی

۲۸ جنوری ۲۰۱۵

من شارلی هبدو هستم

سیاستمداران و روزنامه نگاران فرانسوی از چه می ترسند؟

با شگفتی می بینیم که به نام آزادی بیان، جبهه ای در رسانه های فرانسوی علیه تمام آنهایی که عملیات تروریستی ماه جنوری در پاریس را زیر علامت سؤال برده بودند به راه افتاد و به تدریج در تمام کشورهای عضو ناتو گسترش یافت. از این پس، روح انتقادی ممکن است به عنوان ارتکاب به جرم و تبهکاری متهم گردد و به حبس و زندان بینجامد.

شبکه بین المللی ولتر / ژنو (سوئیس) | ۲۵ جنوری ۲۰۱۵



در حاشیه تظاهرات « من شارلی هستم » در روز ۱۱ جنوری ۲۰۱۵، در یک خیابان مجاور به مسیر اصلی تظاهرات ۵۶ رئیس دولت و مقام دولتی گردهمایی تشکیل دادند و پس از چند دقیقه نمایش در مقابل دوربین های رسانه ها به خانه هایشان بازگشتند. بر اساس چنین تصاویری بود که خودشان را به عنوان رهبران تظاهراتی که هرگز به آن نپیوستند، معرفی کردند.

عملیات تروریستی در ماه جنوری ۲۰۱۵ در فرانسه موجب تظاهرات فوق العاده ای شد (با شعار «من شارلی هستم») و فوراً اردوئی از نویسندگانی که مفهوم چنین واقعه ای را زیر علامت سؤال برده بودند به راه افتاد. ولی تقریباً تمام رسانه های بزرگ مقالات متعددی را نه برای گفت و گو و پرس و جو در مورد چگونگی رویداد بلکه برای ابلیس نمائی و بی اعتبار ساختن آنهائی که به چنین موضوعی می پرداختند، اختصاص دادند.

هدایت این اردوگاه تبلیغاتی با مدیریت سیاسی هیأت تحریر فرانس ۲ ناتالی سن کریک Nathalie Saint-Criq آشکار شد، او به روزنامه تلویزیونی آمده بود تا بگوید که: «مشخصاً باید آنهائی که «شارلی» نیستند را باید ردیابی کرد، در برخی مدارس آنهائی که یک دقیقه سکوت را رعایت نکردند، آنهائی که روی شبکه های اجتماعی تاب می خورند و آنهائی که نمی دانند بر چه اساسی این مبارزه متعلق به آنها است. در نتیجه آنها هستند که ما باید ردیابی کنیم، بررسی کنیم و دوباره آنها را به جامعه ملی باز گردانیم و سازگار سازیم».

فراخوان مکارتیست از سوی ناتالی سن کریک

ناتالی سن کریک دوست دختر پاتریک دو هامل Patrice Duhamel است که مدیر کل تلویزیون فرانسه و مأمور آنتن ها بود، یعنی نقش سانسورچی را در خدمات عمومی تلویزیون به عهده داشت. پاتریک دو هامل برادر مفسر خبری آلن دو هامل است. این سه روزنامه نگار طی سال های طولانی نظریات و تمایلات طبقه رهبران سیاسی فرانسه را بیان کرده اند.

نگرانی کنونی رسانه های فرانسوی از کجا می آید؟

از تاریخ انتشار کتاب «دروغ شنیع» *L'Effroyable imposture* (نوشته تی پیری میسان که عملیات تروریستی ۱۱ سپتمبر را به توطئه مجتمع صنایع نظامی و سیاسی امریکا نسبت می دهد) و بحث و جدلی که در سطح جهانی به راه افتاد، بخش بزرگی از مردم، نه تنها در فرانسه بلکه در تمام کشورهای عضو ناتو دیگر برای کسب اطلاع از رویدادهای جهان به رسانه های بزرگ اعتماد نمی کنند. در سال ۲۰۰۲ و در سال های بعدی اعتبار نشریات کاغذی و رادیو به ۴۴٪ سقوط کرده و بی اعتباری تلویزیون در حد ۵۳٪ بوده است. با گذشت زمان اعتبار نشریات کاغذی تا ۵۰٪ بالا آمد، این رقم برای رادیو به ۵۵٪ رسید و ۵۸٪ برای تلویزیون (۱).

می بینیم که از دیدگاه طبقه رهبران سیاسی، اعتبار رسانه ها بر اساس نوع دستگاه حامل اندازه گیری می شود و نه بر اساس محتوای آنها، یعنی نشانه ای تقریباً آشکار که حاکی از فنای تعدد آراء و نظریات می باشد.

انتشار مقاله تی پیری میسان (۲) در چند ساعت پس از وقوع عملیات تروریستی علیه شارلی هبدو، فوراً موضوع اعتماد به رسانه ها را مطرح کرد. روزنامه نگار ما تی پیری میسان از تبعیدگاهش در سوریه به شیوه عملیات تروریستی می پردازد و نشان می دهد که این شیوه از نوعی که نزد جهاد رایج است نمی باشد و بیشتر به عملیات کوماندوی نظامی شباهت دارد. در نتیجه از دیدگاه او، اهمیت واقعه در هویت مذهبی اسلامی تروریست ها نبود بلکه پرسش اصلی به شناسائی فرماندهانی بازمی گشت که این جنایت را سازماندهی کرده بودند. این مقاله در چندین سایت انترنتی در فرانسه منتشر شد و خود شبکه ولتر نیز طی سه روز بیش از ۸۰۰۰۰۰ بار در بخش فرانسوی زبان مراجعه کننده داشت (۳).

به شکل شگفت آوری، چنین موضوعی که بارها توسط چندین رسانه خارجی و حتی حتی بی بی سی BBC و سی ان ان CNN مورد بررسی قرار گرفت، ولی توسط رسانه های بزرگ فرانسوی چنین امری به وقوع نپیوست. بدتر

از همه، اردوگاه تبلیغاتی علیه آنهایی که واقعه را زیر علامت سؤال برده بودند راه اندازی شد و در بیشتر موارد نیز مقاله‌تی یری میسان را مطرح کردند ولی بی آن که به دلیل و برهان‌های او توجهی نشان دهند و یا به پرسش‌هایی که او مطرح کرده بود، پاسخ بگویند.

در همان مقاله روزنامه نگار فرانسوی در تبعید (مترجم: چون که جانش در فرانسه در خطر است...) در تحلیل عملیات تروریستی علیه شارلی هبدو به این نتیجه رسیده بود که هدف از چنین عملیاتی راه اندازی «جنگ تمدن‌ها» است، یعنی ستراتیژی که هرگز نه اخوان المسلمین و نه القاعده و نه داعش در پی آن نبوده‌اند، بلکه سرمنشأ آن را تنها باید نزد نئومحافظه‌کاران ایالات متحده و شاهین‌های لیبرال جست و جو کنیم. بیشتر از این دلیلی وجود نداشت که او را به تمایلات «ضد سامی» (ضد یهود) متهم کنند. در واقع، نئومحافظه‌کاران در آغاز یک گروه روزنامه نگار تروتسکیست بودند که مجله یهودی و صهیونیست Commentary را می‌گرداندند (۴).

گرچه اتهام وارده پوچ است، ولی با این اتهام زنی‌ها احتمالاً می‌خواستند نشان دهند که نظریات تی یری میسان به شکل گسترده توسط اعضای «همبستگی ملی»، حزب سیاسی که به تازگی توسط دیودونه Dieudonné و آلن سورال Alain Soral مطرح گردیده و تفسیر شده است. بنابراین همان‌گونه که از نامش بر می‌آید، تشکیلی از تمایلات سیاسی مختلف است و حتی اعضای راست افراطی ضد سامی را نیز در بر می‌گیرد.

با این حساب، رسانه‌های فرانسوی باید دو مشکل را هم زمان حل کنند: از یکسو جنبش اعتراضی که تی یری میسان علیه حاکمیت آنگلساکسون در جهان هدایت می‌کند و از سوی دیگر ظهور جنبش نوین سیاسی در فرانسه که در اعتراض به «خیانت برگزیدگان» پیرامون دیودونه و آلن سورال گردهم آمده‌اند.

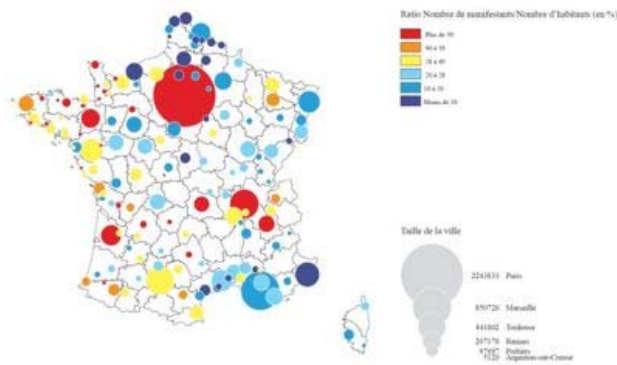
علاوه بر این، نخست وزیر فرانسه امانوئل والس طی سخنرانی در پارلمان، در مورد عملیات تروریستی، دیودونه بازیگر طنزپرداز را به عنوان هدف اولی برای مبارزه تعیین کرد: «و چه تصادف خطرناک و چه توهینی از این بیشتر که ببینیم مبلغ خشونت توبه ناپذیر در سالن‌های نمایش خود نمائی کند، آن هم هنگامی که شب، ملت، پورت دو ونسن (محل دومین حمله تروریستی) در سوگواری به سر می‌برد. اجازه ندهیم که چنین اعمالی صورت بگیرد و عدالت علیه این مبلغان خشونت به شکل خدشه ناپذیر عمل کند! من این موضوع را با تمام قدرت در این تریبون مجلس شورای ملی مطرح می‌کنم!» (۵).

در فردای این سخنرانی، بازیگر طنزپرداز بازداشت شد. دیودونه به جرم رفتار تمسخر آمیز به بسیج «من شارلی هستم» و بیان یک جمله که به مزاح بزهارانه تلقی شده دستگیر شد، او گفته بوده است «من شارلی کولیبالی هستم» (کولیبالی نام یکی از تروریست‌ها است) و به عنوان فراخوان به خشونت ضد سامی تعبیر شده است. بر این اساس در فرانسه کنونی، ضرورت دفاع از آزادی بیان بر این محور می‌چرخد که بازیگر طنزپرداز را به زندان بیندازند.

تمام فرانسوی‌ها در بسیج شرکت نکردند

در این اوضاع، در مورد اعتراض به قدرت رسانه‌ها و سیاست، بررسی‌هایی صورت گرفته است تا دریابیم که فرانسوی‌هایی که در رابطه با گفتار رسمی مقاومت می‌کنند کدام هستند و تأثیر آن روی آینده احزاب سیاسی کدام خواهد بود.

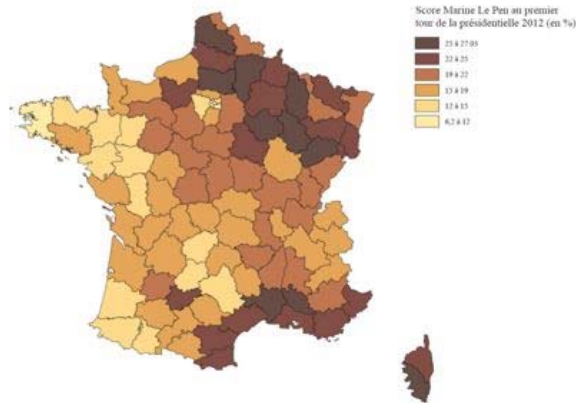
ابتداء، پراکندگی بسیار معنی داری در مناطق مختلف می‌بینیم: میزان شرکت شهروندان در تظاهرات «من شارلی هستم» در گرونوبل یا رودز ۷۱٪، ولی در هاور Havre یا هنن بومون 3% Henin-Beaumont است (۶).



بسیج « من شارلی هستم »

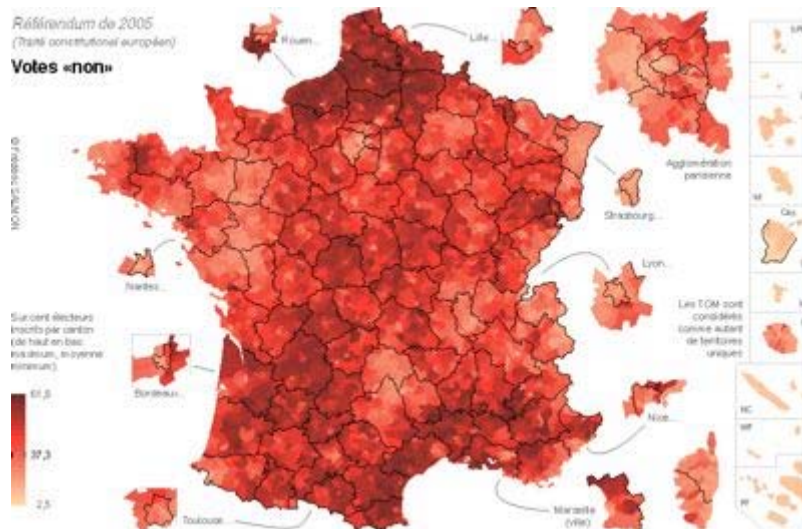
منبع مؤسسه افکار عمومی فرانسه (Ifop)

به گزارش مؤسسه افکار عمومی فرانسه، چنین خط فاصلی مرتبط است به رأی جبهه ملی (۷)، ولی در عین حال می تواند به میزان رأی « نه » به همه پرسی سال ۲۰۰۵ در مورد قانون اساسی اروپا مرتبط باشد (۸). پس از بررسی، مؤسسه افکار عمومی فرانسه فرضیه رابطه با تعلقات مذهب اسلام را در نظر نگرفته است.



رأی جبهه ملی در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲

منبع : مؤسسه افکار عمومی فرانسه



رأی « نه » به همه پرسی سال ۲۰۰۵ به قانون اساسی اروپا

منبع : فردریک سلمون Frédéric Salmon

میزان نفوذ تمایلات انتقادی که به شکل « نظریه توطئه » شهرت یافته، توسط مؤسسه افکار عمومی فرانسه مورد بررسی قرار گرفته است (۹).

روزنامه توضیح می دهد چه چیزی را «باید» در مصاحبه با امانوئل تایب Emmanuel Taïeb سیاست شناس مد نظر قرارداد. این جامعه شناس در شهر لیون علوم سیاسی تدریس می کرد و تا کنون به عنوان کارشناس مجازات اعدام شهرت داشت. گرچه هیچ گاه پرونده کتبی علمی درباره « نظریه توطئه » ننوشته است، ولی از تاریخ عملیات تروریستی علیه شارلی هبدو یک گزارش نوشته و به عنوان کارشناس عالی با چندین رسانه مصاحبه داشته است. از اصطلاح « نظریه توطئه » در اینجا باید مفهوم « طرفدارای از نظریاتی » را درک کرد که در مخالفت یا انتقاد از نسخه های رسمی جهان سیاست مطرح می شود. امانوئل تایب مشخصاً می گوید که «این نظریات شایعه نیست» (اصطلاحی که در اردوی سال ۲۰۰۲ به کار برده شد)، ولی محصول اشخاصی شناخته شده است (او از ژان ماری لوپن، تی یری میسان و لیندون لاروش یاد می کند) که روزنامه نگار نیستند (با این وجود تی یری میسان به شکل قانونی کارت روزنامه نگاری در اختیار دارد و در چندین روزنامه کاغذی در کشورهای مختلف مقاله و تفسیر می نویسد). و سرانجام به روشنی می گوید: «اغلب نظریات از نوع توطئه باور تنها اشکال نوینی از ضد امپریالیسم یا ضد صهیونیست است».

این روزنامه به شکل منطقی از موضوع ۱۱ سپتامبر آغاز می کند تا برسد به «من شارلی هستم». از دیدگاه ۲۱٪ از افرادی که مورد پرسش قرار گرفته اند «کاملاً روشن نیست که عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تنها توسط سازمان القاعده طراحی و به اجرا گذاشته شده باشد». این رقم در مورد عملیات تروریستی جنوری ۱۰۱۵ علیه شارلی هبدو به ۱۶٪ تنزل می کند.



در مورد عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر در نیویورک چه فکر می کنید...؟

که مطمئناً عملیات تروریستی توسط سازمان تروریستی القاعده طرح ریزی شده و به اجرا گذاشته شده است :

۵۶٪ از فرانسوی ها این نظریه موافق بوده اند

که موارد ابهام آمیزی باقی مانده و اطمینانی وجود ندارد که عملیات تروریستی توسط سازمان تروریستی القاعده طرح ریزی و به اجرا گذاشته شده باشد.

۲۱٪ از فرانسوی ها با این نظریه موافق بوده اند

که ممکن است تحریفی در کار بوده باشد و توطئه سازمان یافته توسط دولت و سرویس های مخفی امریکائی دست به چنین کاری زده باشند

۴٪ از فرانسوی ها با این نظریه موافق بوده اند

چیزی ابراز نکرده اند

۱۲٪



منبع : مؤسسه افکار عمومی فرانسه ۲۵ جنوری ۲۰۱۵

در مورد عملیات تروریستی در پاریس به تاریخ ۷ تا ۹ جنوری ۲۰۱۵ چه فکر می کنید ؟

که مطمئناً عملیات تروریستی توسط تروریست های اسلامی طراحی و به اجرا گذاشته شده است

۷۰٪ فرانسوی ها موافق این نظریه بوده اند

که موارد ابهام آمیزی باقی مانده و اطمینانی وجود ندارد که عملیات تروریستی تنها توسط تروریست های اسلامی طراحی و به اجرا گذاشته شده است

۱۶٪ فرانسوی ها با این نظریه موافق بوده اند

که ممکن است تحریفی در کار بوده باشد و توطئه سازمان یافته توسط دولت و سرویس های مخفی فرانسوی دست به چنین کاری زده باشند

۲٪ فرانسوی ها با چنین نظریه ای موافق بوده اند

در این مورد سکوت کرده اند

۱۲٪

آمار تهیه شده از بین ۱۰۵۱ نفر از مردم فرانسه بین ۱۸ سال به بالا بین ۲۱ تا ۲۳ جنوری ۲۰۱۵ به شکل پرسش نامه آن لاین به دست آمده است.

روشن است که شکل پرسش ها به شکل جزئی پاسخ را نیز مطرح می کند. در هر صورت ۱۶٪ مشکل سیاسی مهمی را مطرح می سازد.

تحقیقات مؤسسه افکار عمومی فرانسه روی گروه معترضان به ۱۱ سپتمبر در تمام طیف های انتخاباتی پی گیری شد، با نتیجه ای که میزان فوق العاده ای را در جبهه ملی نشان می داد. ولی با شگفتی می بینیم که در مورد « من شارلی هستم » تعداد مخالفان در جبهه چپ و یو ام پی (UMP حزب دست راستی فرانسه) نسبت به حزب سوسیالیست و جبهه ملی بیشتر هستند.

در نتیجه تمام صرف و نحو تبلیغاتی که مخالفان (طرفداران نظریه توطئه) را با راست افراطی و عطر و بوی ضد سامی (ضد یهودی) تشبیه می کند از هم فرو می پاشد. « توطئه چین ها » (یعنی کسانی که به نظریه توطئه باور

دارند) در واقع شهروندانی هستند که به نام ارزش های جمهوری و دموکراسی علیه نظام قیام می کنند. موضوعی که جبهه ملی خیلی خوب درک کرده است و طی دهه گذشته از حزب راست افراطی به سوی حزب میهن دوست تحول یافت، و به همین گونه جبهه چپ و از این پس حزب همبستگی ملی Réconciliation nationale گرچه سه حزب مختلف هستند و هیچ رابطه ای بین آنها وجود ندارد.

Réseau Voltaire

"border="0" height="24" width="24 "<"border="0" height="24" width="24"<

[۱] [Baromètre de la confiance dans les médias ,TNS-Sofres.

(۲) تی پری میسان. «چه کسی سوء قصد شارلی هبدو را هدایت کرده است». شبکه بین المللی ولتر، ۷ ژانویه ۲۰۱۵

<http://www.voltairenet.org/article186420.html>

[۲] [Voltairenet.org est disponible en dix langues principales et six langues secondaires.

[۳] « [Les New York Intellectuals et l'invention du néo-conservatisme](#) », par Denis Boneau, Réseau Voltaire ۲۶, novembre 2004.

[۴] « [Discours de Manuel Valls à l'Assemblée nationale en hommage aux victimes des attentats](#) », Réseau Voltaire ۱۳, janvier 2015.

[۵] [Marche républicaine « pour Charlie » : des disparités de mobilisation lourdes de sens , Ifop Focus n°121, Janvier 2015.

[۶] [Aux élections européennes du 25 mai 2014, le Front national (FN) est devenu le premier parti de France avec 24,86 % des suffrages exprimés.

[۷] [À la question « Approuvez-vous le projet de loi qui autorise la ratification du traité établissant une constitution pour l'Europe ? », le « Non » l'emporte avec 54,68 % des suffrages exprimés, le 29 mai 2005.

[۸] « [Comme l'ombre d'un doute », Sylvain Cottin, Sud Ouest ۲۵, janvier 2015.

منبع : آدرس متن اصلی در شبکه ولتر

<http://www.voltairenet.org/article186541.html>

شبکه ولتر

«Je suis Charlie»

De quoi ont peur les politiques et les journalistes français?

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۷ جنوری ۲۰۱۵